

سیاسی فرصت طلبی

محمد رضا زمردی

اشاره:

مفهوم فرصت طلبی (Opportunism) در اقتصاد و سیاست مربوط است به رقابتی که در سطح نهادی میان گروه‌ها و احزاب و مؤسسات و نظایر اینها جریان می‌یابد. در متن حاضر این مفهوم را در خصوص افراد (کنشگران اجتماعی) و در سطح خرد به کار می‌بریم. لذا این تغییر کاربرد بار معنایی مفهوم را متحول می‌سازد. بدین معنی که از آنجایی که چه بسا خیر فردی با شر جمعی و شر فردی با خیر جمعی تلازم یابد؛ نمی‌توان قواعد حاکم بر پهنه‌های خرد و عرصه‌های کلان را به یکدیگر فرو کاست بدین سان در متن حاضر معنی دایره‌المعارفی فرصت طلبی را مدنظر داریم که ناظر است به جستجو و استفاده از فرصت‌ها برای کسب منافع، بی آن که تأثیرش بر دیگران به نحوی منصفانه مورد توجه قرار گیرد.

مکس وبر جامعه‌شناس بزرگ آلمانی و بزرگی

جامعه نوین غربی را تحقق فرایند عقلانی شدن می‌داند فرایندی که بواسطه‌ی آن حوزه‌های معین حیات اجتماعی مطابق معیارهای عقلانیت و سایل اهداف (یا کارکردی) سازماندهی می‌شوند. (McGuire, M.B., 1997: 286) برغم اینکه تحقق چنین فرایند، فراگیری مستلزم رواج نظم و دقت و سنجش و گسترش روحیه محاسبه‌گری بوده است؛ لیکن در همان تمدن متفکرانی چون هابهاوس به این نتیجه رسیدند که نیازهای فردی هنگامی برآورده می‌شود که نیازهای جمعی ارضاء شده باشد (ماس ۱۳۸۲). از این رهگذر نه تنها ضرورت ربط یافتن دموکراسی با برابری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مبرهن می‌گردد (آربلاستر ۱۳۷۹)؛ بلکه ضابطه‌ای برای تحدید خودخواهی‌ها لجام‌گسیخته به دست می‌آید.

کشورمان ایران اما حکایتی دیگر دارد. فقدان آن عقلانیتی که فوق‌آذکر گردید به همراه مشکلات فراگیر اقتصادی که خود ناشی از ناکارآمدی مدیریتی از یک سو و نقصان‌های اقتصاد وابسته نفتی از دیگر

شرایط سیاسی و اجتماعی، زمینه مساعدی برای رشد روحیه فرصت طلبی فراهم آورده است

سو به انضمام نابرابری‌های موجود به تکوین و تقویت کیفیتی در افراد انجامیده است که فرصت طلبی‌اش می‌خوانیم. در اینجا نگاهی به ابعاد مفهوم خالی از فایده نیست. نخست به برابری در مقابل قانون اشاره می‌کنیم که به معنی رها بودن از تبعیض جنسی و نژادی است. برابری سیاسی ناظر است به حقوق سیاسی برابر برای همه افراد. برابری اجتماعی اشاره به کاهش یا حذف فاصله اجتماعی میان گروه‌های اجتماعی دارد. و اما برابری فرصت به معنی مبتنی بودن موفقیت یا شکست افراد بر توانایی‌ها و خصوصیات آنهاست نه بر عوامل تصادفی چون ثروت یا وابستگی به صاحبان قدرت (تائسی ۱۳۸۱). به نظر می‌رسد که در جامعه‌ی ایران نابرابری در فرصت‌ها (اعم از سیاسی، اقتصادی، شغلی، تحصیلی و...) که خود ملازم است با حاکمیت روابط شخصی، خاص‌گرایی، جمع‌گرایی، انتساب و آمیختگی نقش‌ها (در مقابل روابط غیرشخصی، عام‌گرایی، خویش‌شن گرایی، انتساب و نقش‌های اختصاصی که جوامع توسعه یافته نوین را مشخص می‌کنند) (سو ۱۳۷۸)؛ زمینه را برای نضج یابی و همه‌گیر شدن روحیه فرصت طلبی در آحاد جامعه فراهم ساخته باشد.

فرصت طلبی با فرهنگ کار و تلاش بیگانه است، یعنی با فرهنگی که در این برهه از تاریخ بیش از هر کجای تاریخ تمدن ایرانی به اشاعه و تقویت آن حاجت داریم. لذا بی توجهی به تولید به مشکل دیرینه تنبلی در این دیار می‌انجامد و اخلاق طفیلی‌گری (free-riding) را ترویج و تسهیل می‌کند (یعنی اگر می‌توانم با زرنگی کار خود را به پیش ببرم چرا خودم را به رنج و مشقت بیانجامم). از این رهگذر است که فرصت طلبی با رابطه سالاری ربط می‌یابد، یعنی با پدیده‌ی همواره موجودی که به بخشی تفکیک‌ناپذیر از واقعیت اجتماعی حیات ایرانیان بدل گشته است که نه تنها مانعی جدی بر سر راه هرگونه اصلاح اقتصادی در ساختار اداری کشور محسوب می‌شود بلکه به واسطه‌ی نامیوس کردن ضابطه سالاری کشور و نظام را از ارزشمندترین سرمایه‌های انسانی خود محروم می‌سازد. و از عوامل مؤثر پدیده خسران آفرین مهاجرت مغزها به حساب می‌آید. قانون‌گریزی و عدم پایبندی به قانون که خود

وافر برای حل مسایل اجتماعی، توسعه برابری و رفاه؛ باز تعریف ارزش‌های اخلاقی، به نحوی که با نیازهای جامعه پیچیده کنونی منطبق باشند، باید در کانون اشتغالات و دغدغه‌های اصحاب نظر و اندیشه جایگیر شود.

منابع:

آر. بلاستر، آنتونی، تمکراسی؛ ترجمه حسن مرتضوی؛ انتشارات

آشیان؛ تهران، ۱۳۷۹.

تانس، استیون؛ مقدمات سیاست؛ ترجمه هرمز همایون پورا؛

نشر نی؛ ۱۳۸۱.

سروش، عبدالکریم؛ اخلاق خدایان؛ طرح نو، ۱۳۸۰.

سوه، الوین ی؛ تغییر اجتماعی و توسعه؛ ترجمه محمود حبیبی

مطهری؛ انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ تهران، ۱۳۷۸.

سمن، هانس؛ تاریخ جامعه‌شناسی؛ ترجمه عباس محمدی

اصل؛ نشر حق‌شناس؛ رشت، ۱۳۸۲.

محمدی اصل، عباس؛ «سلامت اجتماعی در ایران؛ ماهنامه

گزارش؛ سال چهاردهم؛ شماره ۱۲۵؛ فروردین ۱۳۸۲؛ تهران؛ صص

۷۲ الی ۷۷.

McGuire, Meredith B. Religion: The Social Context;

Wadsworth Publishing Company; Belmont, California

-Wilson, Bryan, 'Values and Society'; in Values: a symposium;

eds. Brenda Almond and Bryan Wilson; Humanities Press

ماکس وبر و ویژگی جامعه نوین غربی را تحقق فرایند عقلانی شدن می‌داند

بی‌توجهی به شایسته‌سالاری از عوامل مهم پدیده فرار مغزهاست

فرهنگی را در می‌نوردد. با این همه جامعه سالم و اخلاقی جامعه‌ای است که ارزشهای نیک و فضایل صالحه در آن همواره قاعده باشند و نه استثناء و به هیچ بهانه‌ای، قاعده عام نشوند (سروش ۴۲: ۱۳۸۰).

به هر روی از آنجایی که باورهای دینی در تغذیه ارزشهای اخلاقی و اجتماعی همواره اهمیت داشته‌اند (Wilson, B., ۱۹۸۸) پس نقش افول یافتن باورهای دینی سنتی را نیز نمی‌توان در

فرایندهای مزبور نادیده گرفت. تئمه سخن

این که در جامعه در حال گذار نیمه سنتی

و نیمه مدرن ما، که هست شدن

سپهرهای مقدس، شکل‌گیری

فضایی بی‌هنجار

(anomic) را تسهیل

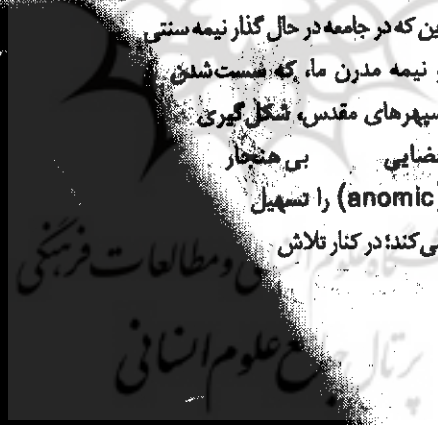
می‌کند؛ در کنار تلاش

از موانع بزرگ بر راه تحقق جامعه مدنی می‌باشد از دیگر بیماری‌هاست که به یاری فرصت‌طلبی عود می‌نماید. در واقع با تقویت روحیه فرصت‌طلبی و تعدد یافتن شخصیت‌های فرصت‌طلب در جامعه نهادینه نشدن قانون دیگر در سطح سیاسی و ساختاری نیست که با بزرگترین دست‌اندازها مواجه می‌گردد؛ بلکه دشمنان این فرایند همان کسانی می‌شوند که بنا بوده از برکات آن برخوردار شوند؛ یعنی آحاد افراد جامعه.

در همین آب و هوای فرهنگ فرصت‌طلبی است که رانت به منزله فرصتی طلایی تعبیر می‌گردد و فرصت‌طلبان حرفه‌ای که در شناسایی بسترهای حاصلخیز آن شامه‌های قبرتمند دارند رانت‌خواری را بس مفتهم می‌شمرند. بدین سان کاری‌ترین ضربه‌ها به اقتصاد پرمسأله کشور وارد می‌آید و به جای افزایش سهم سرانه افراد از اقتصاد کشور، کسانی منتفع می‌شوند که حتی مالیات بر درآمدهای نامشروع و غیرقانونی شان به خزانه دولت باز نمی‌گردد. و هر آینه نابرابری اقتصادی در جامعه باز تولید می‌گردد.

در چنین جوی که همگان ناهشیارانه در ساختن آن سهم هستند زندگی به میدانی برای ربودن گوی سبقت از رقبای بالقوه مانند می‌گردد. تبعاً در این آشفته بازار هیچ کس قابل اعتماد نمی‌نماید و اصولاً مفهوم اعتماد دستخوش دگرگونی اساسی می‌شود. به دنبال اشاعه بی‌اعتمادی که خود مولد ناآرامی‌ها و تنش‌هاست سلامت روانی جامعه با تهدیدات جدی مواجه می‌شود. و این در حالی است که طبق آمار و ارقام موجود ۲۱ درصد از اعضای جامعه از انواع اختلالات روانی رنج می‌برند که بنا بر اظهار نظر رئیس انستیتو روانپزشکی تهران یک میلیون و دویست هزار نفر از آنها مبتلا به بیماری شدید روانی هستند (محمدی اصل ۱۳۸۲).

نکته شایان توجه این که در صورت همه‌گیری فرصت‌طلبی این رفتار دیگر ضداثرش محسوب نشده و رفته رفته از وقاحت آن کاسته می‌گردد. از آنجایی که فرصت‌طلبی در عین حال مولد و مولود خودخواهی است و در تقابل با ارزش‌هایی چون ایثار و از خودگذشتگی قرار می‌گیرد؛ ابعاد تاثیرگذاری این هنجار در حال تکوین بسیار چشمگیر خواهد بود به نحوی که خرده نظام‌های شخصیتی و



مطالعات فرهنگی
رتال مجله علوم انسانی